نقش یک نقطه در قرائت کلمه و تأثیر آن در سوق معنای شعر حافظ

سلیم نیساری*

چکیده

بعضی کاتبان نسخه‌های خطی دیوان حافظ و ازآن‌جمله کاتبان سدهٔ نهم هجری در امر کتابت به سبب شتاب‌کاری یا بی‌اهمیت‌دانستن نقطه درقالب کلمه، در قید نقطه در جای صحیح آن تسامح کرده‌اند یا آن را از قلم انداخته‌اند.

برای مصحح دیوان حافظ به‌ویژه هنگام استناد به ضبط نسخه‌های خطی این اشکال پیش می‌آید که کلمه‌ای را که فرضاً نقطهٔ حرف اول آن ساقط است نه می‌توان در ردیف نسخه‌هایی منظور کرد که در آن موضع یک فعل مثبت کتابت کرده‌اند و نه جزء آن گروهی که آن کلمه در آن نسخه‌ها معرف یک فعل منفی است.

درضمنِ سه نمونه‌ای که در این مقاله مطرح شده است، مشخص می‌شود که مصححان دیوان حافظ نتوانسته‌اند با پذیرش معنی و تفسیری معین از بعضی ابیات حافظ در کتابت آن کلمهٔ محل اختلاف نیز به توافق برسند. مسئلهٔ انس و عادت با یک قرائت خاص یا جانبداری از متن یا یک چاپ ویژه، مانع از آن شده است که چنین توافقی ایجاد شود.

کلیدواژه‌ها: حافظ، دگرسانی‌های دیوان حافظ، نقطهٔ محذوف در نسخ خطی.

* عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۴

فصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۱، شمارهٔ ۷۵، پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

نقطه در خط فارسی یکی از اجزائی است که در تشکیل شکل مشخص حروف الفبای فارسی دخالت دارد. شکل سادهٔ «لــ» در خط فارسی، مستقلاً معرف هیچ حرفی از حروف الفبای فارسی نیست، ولی با افزودن یک یا دو یا سه نقطه در بالا یا در زیر آن شکل ساده، صورت‌های نـ بـ تـ یـ ثـ و پـ روی هم شکل اول و وسط شش حرف از ۳۲ حرف الفبای فارسی را نمایش می‌دهد.

همراه نخستین گام‌هایی که نوآموزان برای یادگیری شکل حروف الفبای فارسی برمی‌دارند، مسئلهٔ دقت در کاربرد نقطه‌ها هنگام نوشتن حروف الفبا مطرح می‌شود و این الزام دقت در کاربرد صحیح نقطه‌ها در سال‌های بعد نیز هیچ‌گاه ضرورت و اهمیت خود را از دست نمی‌دهد.

از همان قرن‌های گذشته در میان سوادآموختگان نیز کسانی بودند که نقطه‌ها را در حد زینت و نقش‌ونگاری در نوشته فرض می‌کردند و به کاربرد دقیق نقطه‌ها در محل صحیح آن در کلمات مقید نبودند. این تسامح تا آن حد نفوذ یافته بود که بعضی افراد آشنا به مهارت خواندن و نوشتن تا همین هفتادـ هشتاد سال پیش قرائت نامه‌ای را که در تحریر آن هیچ نقطه به کار نرفته بود، ازجمله نشانه‌های سواد و تبحر در زبان و خط وانمود می‌کردند. در مقایسه با سلیقهٔ این افراد، شغل کاتبان در تمام دوران پیش از رواج فن چاپ و مسئولیتی که آنان در ارائهٔ ضبط صحیح متون، خواه شعر و خواه نثر، به عهده داشتند ایجاب می‌کرد که دست‌نویس آنان در ارائهٔ ضبط صحیح یک نوشته از هرگونه نقص و خطا مبرا باشد.

حال به منظور آگاهی از واقعیت امر به دست‌نویس‌های موجود متعلق به سدهٔ نهم هجری و اختصاصاً به نسخه‌های خطی دیوان حافظ نگاهی می‌اندازیم. اگرچه معدودی از کاتبان که درواقع افرادی باسواد و مسلط به اصول و مبانی تحریر زبان فارسی بودند، درکنار اشتغال به کتابت متون، خود را به پرهیز از خطا و اشتباه مقید می‌دانستند و به همین منوال در کاربرد نقطه‌های حروف نیز دقت کافی رعایت کرده‌اند، چنین پیداست که یا به‌سبب شتاب‌کاری در کتابت یا به‌دلیل بی‌اعتنایی به نقش نقطه، حذف بعضی نقطه‌ها و تسامح در درج نقطه در جایگاه صحیح آن برای بعضی کاتبان عادی بوده است.

البته مسئلهٔ حذف نقطه در قرائت بسیاری از کلمات فارسی دشواری پیش نمی‌آورد و قرائت صحیح کلمه به سیاق عبارت مشخص می‌گردد، اما موارد دیگری نیز هست که قرارگرفتن یک نقطه در بالا یا پایین شکل یا حرف در دریافت معنی عبارت تأثیرگذار است؛ مانند قرارگرفتن حرف «بـ» یا «نـ» در ابتدای فعل.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

در این مقاله سه نمونه درباب کاربرد همین دو حرف متباین در آغاز فعل و چگونگی برخورد مصححان دیوان حافظ با این تفاوت املا مطرح می‌شود:

نمونهٔ اول: «با چنین حیرتم از دست نشد صرفهٔ کار» یا «از دست بشد...»؟

این بیت مأخوذ از غزلی است که مطلعش چنین است:

عاشق روی جوانی خوش نوخاسته‌ام وز خدا شادی این غم به دعا خواسته‌ام

حافظ در مطلع این غزل از عاشق‌شدن خود ـ از عشقی که با غم همراه است ـ سخن می‌گوید، ولی از استیلای این غم با مسرت استقبال می‌کند و شادی این غم را به دعا از خدا خواستار می‌شود. در بیت پنجم غزل می‌گوید من در این سودای عشق مغبون و زیان‌کار نیستم و به عبارت دیگر (مأخوذ از کلمات متن این بیت) سود و صرفهٔ سودای عشق از دستم خارج نشده است، زیرا آنچه از دل و جانم کاسته، درمقابل به غم (به آن غم شادی‌بخش) افزوده است. این بیت در بیشتر نسخه‌های خطی و نیز در غالب متون چاپی به این صورت نقل شده است:

با چنین حیرتم از دست بشد صرفهٔ کار در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام

در گزارش *دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ* ملاحظه می‌شود که از مجموع ۳۵ نسخهٔ خطی که این غزل در آن منابع مندرج است، کاتبان ۲۲ نسخه «از دست بشد» نوشته‌اند. در ده نسخهٔ خطی سدهٔ نهم (کا، مجـ سو، فط، صف صد، پنـ تجـ تمـ تیـ)[1] این بیت «از دست نشد» ضبط گردیده است. در سه نسخهٔ طو، کجـ کد[2] حرف اول بی‌نقطه است (نیساری، ۱۳۸۵: ۱۰۳۱/۲).

پرسش این است که پیام غزل یادشده، که می‌توان عنوان «شادی غم» را برای آن برگزید، با کدام‌یک از عبارات «از دست بشد صرفهٔ کار» یا «از دست نشد...» سازگار و مطابق است. در *دیوان حافظ* به تصحیح علامه محمد قزوینی متن بیت به این صورت نقل شده است:

با چنین حیرتم از دست بشد صرفهٔ کار در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام

مسعود فرزاد در جریان بررسی اختلاف کلمات در غزل‌های حافظ دراین باره چنین توضیح می‌دهد:

متن: «بشد» ـ م، ی، ب:[3] «نشد» به مناسبت سیاق معنی مصراع دوم روشن است که اینجا متن «بشد» صحیح است و «نشد» درست معکوس معنی مطلوب را می‌رساند، ولی عجیب است که این نسخه‌بدل در سه نسخهٔ خطی مستقل ضبط شده است (فرزاد، ۱۳۴۹:

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

۸۱۷/۲). تصریح می‌شود که فرزاد ضبط نسخهٔ اساس خود (نسخهٔ م) را که «از دست نشد» است مقبول نیافته و قرائت «از دست بشد» را برای متن مصحح خود پذیرفته است.

در سال ۱۳۴۸ متنی از *دیوان حافظ* براساس یک نسخهٔ خطی متعلق به مجلس شورا باعنوان *دیوان کهنهٔ حافظ* منتشر شد. در غزل ۲۳۹ بیت پیش‌گفته به همان هیئت مألوف و متداول (با چنین حیرتم از دست بشد...) درج گردیده است. ظاهراً مصحح دیوان با احساس اعتماد به اعتبار چاپ علامه قزوینی (که در این بیت «بشد» آورده است) قرائت «نشد» مضبوط در نسخهٔ اساس خود را بی‌اهمیت تلقی کرده و حتی آن را شایستهٔ تذکر و تصریح ندانسته است (افشار، ۱۳۴۸: ۲۸۶).

در *دیوان حافظ* به تصحیح خانلری ضمن غزل شمارهٔ ۳۰۵ که ده نسخهٔ خطی منبع استناد برای آن غزل معرفی شده است، در این بیت قرائت «بشد» برای متن انتخاب شده و مصحح دیوان با توجه به عدم تناسب مفهوم آن کلمه یا عبارت «با چنین حیرتم» نسخه‌بدل «خبرتم» را که ضبط دو نسخه از مجموع منابع مورد استفادهٔ ایشان است در متن آورده و بیت را چنین درج کرده است:

با چنین خبرتم از دست بشد صرفهٔ کار در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام

یادآوری می‌شود که در قسمت معرفی نسخه‌بدل‌ها قرائت مندرج در نسخهٔ ح (۸۲۱)، که «نشد» است، از قلم افتاده است (ناتل خانلری، ۱۳۶۲: ۶۲۷/۲).

در کتاب *غزل‌های حافظ بر اساس چهل‌وسه نسخهٔ خطی سدهٔ نهم* برای نخستین‌بار در بیت مزبور قرائت «نشد» اختیار شده است (نیساری، ۱۳۷۱: ۲۷۴).

در مقدمهٔ جلد اول *دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ* که در سال ۱۳۷۳ به‌کوشش انتشارات سروش به چاپ رسید دربارهٔ فرق «بشد» یا «نشد» توضیحی درج گردیده است که قسمتی از آن به این شرح است:

> ... درواقع همین بالا یا پایین‌بودنی یک نقطه است که در این بیت سیاق اندیشهٔ حافظ متمایز می‌شود. اظهار این قبیل شکوه‌ها که صرفهٔ کار از دستم خارج شده (در مفهوم فعل «بشد»)، غمم افزون، جانم رنجور و دلم محزون است، مزیت و نکتهٔ خاصی را اضافه بر لحن گفت‌وگوی عامه ارائه نمی‌دهد، اما با استفاده از ضبط نسخه‌هایی که در این بیت «نشد» نوشته‌اند، ساختار پیام شعر روشن می‌شود و به‌جای اظهار شکوه و دلتنگی از افزایش غم، آن سیاق بیان و لحن خاص طنزگونهٔ حافظ آشکار می‌گردد. می‌گوید با وجود اینکه در حیرت و سرگردانی به سر می‌برم، اما چیزی از دست نداده‌ام؛ زیرا هرچه از دل و جانم کاسته در عوض به غمم افزوده است. این ذکر تقابل میان کاستن از دل و جان و افزودن

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

غم را وجود کلمهٔ «آنچ» در وسط مصراع دوم تأیید و تصریح می‌کند. قدرشناسی از غم با همان جنبهٔ طنز و تعریض چند جای دیگر در غزل‌های حافظ دیده می‌شود؛ مانند این بیت: **چه شکر گویمت ای خیل غم عفاک‌اله/ که روز بی‌کسی آخر نمی‌روی ز سرم** (نیساری، ۱۳۷۳: ۱/۲۰-۲۱).

در *حافظ به سعی سایه*، که در سال ۱۳۷۳ منتشر شد، مصحح با پذیرفتن فعل «نشد» بیت را به صورت «با چنین حیرتم از دست نشد صرفهٔ کار...» در متن دیوان درج کرده است. در پاورقی مربوط به نسخه‌بدل‌های این غزل پشتوانهٔ قرائت «از دست نشد» تنها نسخهٔ شمارهٔ ۷ (مورخ ۸۲۱) معرفی شده و در مقدمهٔ دیوان دربارهٔ دلیل ترجیح این قرائت به قرائت «از دست بشد» که متکی بر شش نسخه است توضیحی افزوده نشده است (ابتهاج، ۱۳۷۳: ۳۰۲).

در سال ۱۳۷۸ *دیوان حافظ* براساس متن چاپ علامه قزوینی با تلفیقی از چهار متن چاپی دیگر به تصحیح هاشم جاوید و بهاءالدین خرمشاهی منتشر شد. در متن غزل ۳۱۱، همان قرائت «با چنین حیرتم از دست بشد صرفهٔ کار» درج شده و در حاشیه ضمن توضیحاتی در مقایسهٔ معنای بیت براساس ضبط علامه قزوینی و خانلری و ضبط گزینش نیساری و سایه، پیشنهاد شده است که اگر این هر دو ضبط را با هم بیامیزیم چنین می‌شود: «با چنین خبرتم از دست نشد صرفهٔ کار» یعنی؛ من خبره در کار عشق با خبرویتی که دارم باز هم زیان نکرده‌ام...» (جاوید، ۱۳۷۸: ۳۹۷). گفتنی است که در هیچ‌یک از پنجاه نسخهٔ خطی (منابع *دفتر دگرسانی‌ها*...) چنین قرائتی درج نشده است.

در سال ۱۳۸۴ کتابی ذیل عنوان *حافظ برتر کدام است؟* نوشتهٔ رشید عیوضی منتشر شد. در این کتاب دربارهٔ اختلاف دو کلمهٔ «حیرتم» و «خبرتم» در بیت پیش‌گفته چنین استنتاج شده است:

هرچه می‌اندیشیم جز واژهٔ «خبرت» واژهٔ دیگری در این بیت مناسبتی ندارد. «خبرت» هم با اجزای بیت یعنی «صرفهٔ کار» و «افزودن» و «کاستن» متناسب است و هم با مضمون بیت دوم غزل یعنی «عاشق و رند و نظربازم و می‌گویم فاش...». با درنظرگرفتن نکات مزبور اختیار ضبط یک نسخه را در این مورد صحیح دانستیم و در متن «خبرتم» آوردیم... .

در این کتاب دربارهٔ اختلاف مفهوم فعل «بشد» با «نشد» در جوار کلمات دیگر این بیت توضیحی داده نشده و بیت مزبور به این صورت ضبط برتر شناخته شده است:

با چنین خبرتم از دست بشد صرفهٔ کار در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام

(عیوضی، ۱۳۸۴: ۳۴۷-۳۴۸)

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

نمونهٔ دوم: «عبوس زهد به وجه خمار ننشیند» یا «بنشیند»؟

خانلری در جلد دوم *دیوان حافظ* در بخش «بعضی از لغات و تعبیرات» ذیل عنوان «عبوس زهد» نوشته‌اند:

«عبوس زهد به وجه خمار بنشیند مرید فرقهٔ دردی‌کشان خوش‌خویم

در آخر مصراع اول این بیت تصحیح قیاسی کرده و به خلاف همهٔ نسخه‌ها که این کلمه را «ننشیند» ثبت کرده‌اند، صورت «بنشیند» را ترجیح داده‌ام: زیرا که به گمان من معنی بیت این است که زاهد که عبوس یعنی اخم‌آلود است، مانند مردمان خمارزده جلوه می‌کند. برخلاف فرقهٔ دردکشان که خوش‌خویند...» (ناتل خانلری، ۱۳۶۲: ۱۲۰۷/۲).

در مقدمهٔ دیوان *حافظ به سعی سایه* نوشته شده است: «... گمان می‌کنم صورت بیت با قول «بنشیند» صحیح باشد. «بنشیند» هم مفهوم فعل مضارع (التزامی/اخباری) را می‌رساند و هم صیغهٔ دعایی (بنشیناد) را به ذهن می‌آورد و شاید «به وجه خمار بنشیند» معادل همین اصطلاح امروزی باشد که می‌گویند خماری بکشد. در این صورت دیگر احتیاجی نخواهد بود که عبوس را با ضم اول و به معنی ترشرویی بخوانیم. همین مطلب را سال‌ها پیش با شادروان استاد خانلری در میان گذاشتم و تصحیح قیاسی ایشان گویا تأیید این حدس بوده است» (ابتهاج، ۱۳۷۳: ۳۵ مقدمه).

در *دیوان حافظ* با قرائت‌گزینی هاشم جاوید و بهاءالدین خرمشاهی نیز در این بیت قرائت «به وجه خمار بنشیند» برگزیده شده است.

درمقابل این سه چاپ، که در این بیت قرائت «به وجه خمار بنشیند» را برگزیده‌اند، در سه متن دیگر (چاپ علامه قزوینی، دیوان حافظ براساس نسخه‌های خطی سدهٔ نهم، ۱۳۷۷، و دیوان حافظ به تصحیح رشید عیوضی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵) عبارت «به وجه خمار ننشیند» درج شده است.

گزارش *دفتر دگرسانی‌ها* چنین است که درمجموعِ ۳۳ نسخهٔ خطی سدهٔ نهم که این بیت در آن نسخه‌ها نقل شده است، کاتب نسخهٔ خ تنها یک نقطه بالای دو حرف اول در کلمهٔ «ننشیند» گذاشته است؛ در نسخهٔ لد دو حرف اول بی‌نقطه است. کاتبان ۳۱ نسخهٔ دیگر به طور واضح «ننشیند» نوشته‌اند و در هیچ نسخهٔ خطی «بنشیند» کتابت نشده است (نیساری، ۱۳۸۵: ۱۲۶۲/۲).

در واژگان غزل‌های حافظ کلمهٔ «خمار» تعبیر نوعی مستی است که حالت اشتیاق و انتظار و طلب می را در پی دارد: **درین خمار کسم جرعه‌ای نمی‌بخشد**... این حالت خماری گاهی هم خوش و مطبوع توصیف شده است: **«که مستی می‌کند با عقل و می‌بخشد خماری خوش»**.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

ازاین‌رو قیافهٔ عبوس زاهد و حالت خمار ناشی از مستی یکی نیست و نمی‌تواند در یک چهره جمع شود. معنی بیت این است که ترشرویی زاهد به چهرهٔ خمار نمی‌نشیند، یعنی با هم جور نیست و جا نمی‌افتد. ضبط بیشتر نسخ در این بیت «ننشیند» وافی به مقصود است و نیازمند تصحیح قیاسی نیست.

نمونهٔ سوم: «تو مگر بر لب آبی به هوس ننشینی» یا «بنشینی»؟

در چاپ علامه قزوینی مطلع غزل شمارهٔ ۴۸۴ به این صورت درج شده است:

تو مگر بر لب آبی به هوس بنشینی ورنه هر فتنه که بینی همه از خود بینی

در پاورقی افزوده شده است:

چنین است به اثبات فعل در جمیع نسخ خطی که نزد این جانب موجود است، از قدیم و جدید بدون استثنا، بعضی نسخ چاپی: «ننشینی» (با نون) و آن تحریف است ظاهراً و مقصود شعر واضح است. یعنی اگر خواهی که فتنه‌ای که در جهان از برخاستن خود برپا کرده‌ای بنشیند، باید لحظه‌ای بر لب آبی به هوس بنشینی. ورنه، یعنی اگر برخیزی، هر فتنه که بینی همه از خود بینی و این مضمونی است بسیار شایع نزد شعرا. سعدی گوید:

بنشین یک نفس ای فتنه که برخاست قیامت فتنه نادر بنشیند چو تو در حال قیامی

و نیز گوید:

ای آتش خرمن عزیزان بنشین که هزار فتنه برخاست

(قزوینی، ۱۳۲۰: ۳۴۳)

در *دیوان حافظ* چاپ خانلری نیز به همین صورت «به هوس بنشینی» نقل شده است. در *غزل‌های حافظ براساس چهل‌وسه نسخهٔ خطی سدهٔ نهم*، (۱۳۷۱) و در *حافظ به سعی سایه* (۱۳۷۳) در این مصراع «به هوس ننشینی» قید شده و در مقدمه این توضیح افزوده شده است:

در نسخه‌ها هر دو صورت «بنشینی و ننشینی» آمده است و بی‌شک «ننشینی» صحیح است. توجه مختصری به تمام بیت معلوم می‌کند که صحبت از فتنه‌ای نیست که به قامت معشوق و برخاستن او نسبت می‌دهند و آن مضمون بسیار رایج نزد شعرا ربطی به مضمون این بیت ندارد، وگرنه بر لب آبی به هوس نشستن و... دیگر زائد بود... (صفحه ۳۵ مقدمه).

در *دیوان حافظ*، قرائت‌گزینی انتقادی به کوشش هاشم جاوید و بهاءالدین خرمشاهی، برای متن مصراع اول این بیت قرائت «به هوس ننشینی» اختیار شده است و در پاورقی این شرح افزوده شده است:

... به‌طورکلی معنی این بیت مبهم است. دست‌کم «ننشینی» می‌تواند این معنی را داشته باشد که بر لب جویی به هوس تماشا و عشرت بنشین تا فتنه‌ها بنشیند وگرنه اگر

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

برخاستی و فتنه‌ها برخاست هرچه دیدی از چشم خود دیدی. لذا ضبط نیساری و سایه بر ضبط قزوینی ترجیح دارد و متن را بر طبق آن درآوردیم (جاوید، ۱۳۷۸: ۶۱۵-۶۱۶).

در مطالب مندرج در پاورقی این چاپ که عیناً نقل شد تخلیطی روی داده است. زیرا ضبط نیساری و سایه (به هوس ننشینی) با درج همان کلماتی معنی شده است که در تفسیر علامه قزوینی از قرائت «به هوس بنشینی» ذکر شده است.

تعارض در معرفی ضبط نسخه‌های خطی و احتساب آمار ضبط اکثر نسخ

در مقدمهٔ *دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ* درباب تشخیص ضبط اکثریت نسخه این توضیح آمده است:

اصطلاح «ضبط اکثریت نسخ» در شرایطی مفهوم عینی دارد که ضبط همهٔ نسخه‌های خطی (سدهٔ نهم) که در هر مدخل دخالت دارد در جوار همدیگر مورد بررسی قرار گیرد. هر بررسی و مقایسهٔ قرائت‌ها که براساس تعداد محدود و معینی از نسخه‌ها مطرح باشد، تنها اکثریت مشروطی را ارائه می‌دهد که ممکن است استفاده از منابع متفاوت در آن مدخل، آن گزینهٔ مشروط را در حالت لغزان قرار دهد (نیساری، ۱۳۸۵: ۱۶).

ملاحظهٔ گزارش مصححان *دیوان حافظ* دربارهٔ قرائت «بنشینی» یا «ننشینی» برای رویارویی با چنین حالت مصداق روشنی منظور می‌گردد:

این غزل با مطلع «**تو مگر بر لب آبی به هوس بنشینی**» در چاپ خانلری مستند بر ده نسخه است. در ضمن توضیح اختلاف نسخه‌ها برای چهار نسخه ضبط متفاوتی قید شده و درنتیجه قرائت «به هوس بنشینی» در این چاپ که مستند به شش نسخه است ضبط اکثریت نسخه منظور گردیده است.

در چاپ سایه برای این غزل شانزده منبع معرفی شده است، ولی پشتوانهٔ قرائت متن (به هوس ننشینی) تنها با شناسایی دو منبع مشخص شده است. یعنی همان دو منبعی که در چاپ خانلری ضبط آن‌ها با شناسهٔ «الف، م: ننشینی» معرفی شده است.

در کتاب *حافظ برتر کدام است*، ضمن بحث اختلاف نه نسخه دربارهٔ ضبط این بیت چنین نوشته شده است که: «از نه نسخهٔ کهن، شش نسخه صریحاً «بنشینی» دارند، دو نسخه نقطهٔ حرف اول را ضبط نکرده‌اند و [تنها] یک نسخه «ننشینی» دارد» (عیوضی، ۱۳۸۴: ۵۳۳).

اگر همین مقدار معلومات در اختیار پژوهندهٔ متن غزل‌های حافظ قرار بگیرد، طبیعی است که قرائت «بنشینی» را ضبط اکثریت نسخه محسوب می‌کند و قرائت «ننشینی» با پشتوانهٔ تنها یک نسخه در اقلیت محض قرار می‌گیرد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

اکنون به منبعی که آن را می‌توانیم به منزلهٔ داور و محک مقایسهٔ ضبط نسخه‌های خطی و متون چاپی به‌کار ببریم (*دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ*) مراجعه می‌کنیم.

درضمن توضیح مشخصات غزل شمارهٔ ۴۱۹ (تو مگر بر لب آبی به هوس ننشینی)، که مستند بر ۳۵ نسخه است، در بیت اول ملاحظه می‌شود که «ننشینی» مستند بر ۲۱ نسخه است و «بنشینی» در ۹ نسخه کتابت شده است و در ۵ نسخه حرف اول یا دو حرف اول بی‌نقطه است.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه بحث شد، اگرچه معدودی از کاتبان باسواد و مسلط به اصول و مبانی تحریر زبان فارسی در کتابت متون کهن مقید به پرهیز از خطا و اشتباه بوده‌اند، به نظر می‌رسد که یا به سبب شتاب‌کاری یا به‌دلیل بی‌اعتنایی به نقش نقطه، حذف بعضی نقطه‌ها و تسامح در درج نقطه در جایگاه صحیح آن برای برخی کاتبان عادی بوده است؛ این تسامح و عدم تقید در درج نقطه، مصححان دیوان حافظ را به‌ویژه هنگام استناد به ضبط نسخه‌های خطی با اشکال مواجه می‌کند؛ به‌طوری‌که گاهی تشخیص شکل صحیح کلمه را حتی براساس روش تصحیح قیاسی بسیار دشوار یا ناممکن می‌سازد. همان‌گونه‌که در مقالهٔ حاضر دربارهٔ تصحیح تحلیلی سه نمونه از ابیات بحث‌انگیز حافظ به تفصیل بیان شد، در تصحیح دیوان حافظ همچنان‌که براساس روش‌های علمی به مجموعهٔ نسخه‌های خطی همراه با موارد تشابه و تفاوت آن می‌پردازیم، ناگزیریم به فحوای هر غزل، لحن خاص و طنزگونهٔ حافظ و معنای کلمات در قاموس دیوان حافظ و اساساً ویژگی‌های سبکی غزل حافظ نیز توجه ویژه داشته باشیم.

پی‌نوشت

۱. ر. ک. نیساری، ۱۳۸۵: ۵/۱-۶؛ توضیح آنکه «کا» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۲۱ هجری قمری، «مجـ» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۴۳ هجری قمری، «سو» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۶۶ هجری قمری، «فط» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۹۹ هجری قمری، «صف» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۹۳ هجری قمری، «صد» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۹۴ هجری قمری، «پنـ» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۹۴ هجری قمری، «تجـ» مخفف نسخهٔ خطی بدون تاریخ کتابت متعلق به کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، «تمـ» مخفف نسخهٔ خطی بدون تاریخ کتابت متعلق به کتابخانهٔ ملک و «تیـ» مخفف نسخهٔ خطی بدون تاریخ کتابت متعلق به کتابخانهٔ چستربیتی ایرلند است.

۲. ر. ک. نیساری، ۱۳۸۵: ۶/۱؛ توضیح آنکه «طو» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۲۲ هجری قمری، «کجـ» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۲۳ هجری قمری، «کد» مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۲۴ هجری قمری است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]

۳. ر.ک. فرزاد، ۱۳۴۹: ۱/۲۶-۲۸؛ توضیح آنکه «م»، «ی» و «ب» به ترتیب مخفف نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت ۸۹۳ هجری قمری، نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت احتمالی نیمهٔ اول قرن دهم هجری قمری و نسخهٔ خطی با تاریخ کتابت احتمالی نیمهٔ دوم قرن دهم هجری قمری است.

منابع

ابتهاج، هوشنگ (۱۳۷۳) *حافظ به سعی سایه*. تهران: هوش و ابتکار و چشم و چراغ.

افشار، ایرج (۱۳۴۸) *دیوان کهنهٔ حافظ*. تهران: ابن‌سینا.

جاوید، هاشم و بهاءالدین خرمشاهی (۱۳۷۸) *دیوان حافظ*. تهران: فرزان.

عیوضی، رشید (۱۳۸۴) *حافظ برتر کدام است*. تهران: امیرکبیر.

فرزاد، مسعود (۱۳۴۹) *حافظ صحت کلمات و اصالت غزل‌ها*. شیراز: دانشگاه شیراز.

قزوینی، محمد و قاسم غنی (۱۳۲۰) *دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی*. بی‌نا.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۲) *دیوان حافظ*. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

نیساری، سلیم (۱۳۷۱) *غزل‌های حافظ بر اساس چهل و سه نسخهٔ خطی سدهٔ نهم*. بی‌نا.

ـــــــ (۱۳۷۳) *دفتر دیگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ*. تهران: سروش.

ـــــــ (۱۳۸۵) *دفتر دیگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1392.21.75.1.0]